

اشاره

تربیت بدنی به مثابه یکی از حوزه‌های یادگیری در میان سایر رشته‌هایی که در مدارس تحصیل می‌شوند، دیر زمانی است که جای خود را باز کرده. این حوزه یادگیری بی‌کم و کاست در دیدگاه جمیع فیلسوفان تربیتی جایگاه ویژه‌ای داشته است و آنان در مجموع به اهمیت تربیت بدنی نه به مثابه بدن، بلکه تربیت بدنی به مثابه یکی از عناصر وجودی انسان اشاره کرده و بها داده‌اند. در کنار اندیشه‌ورزان تربیتی، سیاست‌گذاران و مربیان تعلیم و تربیت نیز توجه و تعلیم و تربیت بدنی را مهم انگاشته‌اند. امروز، تربیت بدنی به مثابه یکی از حوزه‌های یادگیری و در دایره فعالیت نظام‌های آموزشی مدرسه‌ای و دانشگاهی، از جانب یافته‌های نوین مغزپژوهی نیز مورد تأیید و تأکید است. در مغزپژوهی‌های نوین، تربیت بدنی هم به‌ذاته و هم به صورت کارکردی ارزشمند انگاشته می‌شود [Ceri, 2007].

بر پایه اهمیت که تربیت بدنی دارد و به‌طور مختصر به آن اشاره شد، همه کشورهای جهان به استثنای چند کشور کوچک، نظیر ترکمنستان، تربیت بدنی را در ساختار برنامه درسی ملی و منطقه‌ای خود گنجانده‌اند و به آن بها می‌دهند. بیشتر کشورهای پیشرفته برای تربیت بدنی چنان سایر رشته‌ها و حوزه‌های یادگیری، استانداردهای ملی و منطقه‌ای منظور کرده‌اند. بسیاری از کشورهای جهان اول، تربیت بدنی را جزو حوزه‌های یادگیری می‌دانند که فرصت مناسبی را برای جهانی شدن و ایجاد فرصت‌های جهانی اندیشی فراهم می‌آورد. در ادامه، چيستی برنامه درسی ملی، منظور از برنامه درسی ملی در ایران، و جایگاه تربیت بدنی در برنامه درسی ملی ایران تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تربیت بدنی برنامه درسی ملی

دکتر محرم آقازاده
مدرس دانشگاه تهران
دکتر افسانه سنه
مدرس دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



تربیت بدنی در برنامه درسی ملی



بر پایه اهمیت‌تی که تربیت بدنی دارد و به‌طور مختصر به آن اشاره شد، همه کشورهای جهان به استثنای چند کشور کوچک، نظیر ترکمنستان، تربیت بدنی را در ساختار برنامه درسی ملی و منطقه‌ای خود گنجانده‌اند و به آن بها می‌دهند

برنامه درسی ملی چیست؟

رودلف^۲ (۱۹۷۷) می‌گوید: «برنامه درسی جایی است که در آن می‌گوییم کیستیم». برنامه درسی ملی، نما و جلوه ملموس آرزوها و آمال تربیتی در سطح ملی است [Aghazadeh, ۲۰۰۶]. از برنامه درسی به مثابه نقشه‌ای یاد می‌شود که نظریه‌ها، باورها و ایده‌های مربوط به تحصیل، یاددهی - یادگیری و دانش را در برمی‌گیرد. برنامه درسی ملی به گونه‌ای تدوین می‌شود که بتواند آموزش و پرورش پایه را برای همه جمعیت دانش‌آموزی کشوری فراهم آورد. برای رسیدن به این مقصود، در برنامه درسی برای عملکرد دانش‌آموزان استانداردهای ملی در نظر گرفته می‌شود. به‌طور معمول، استانداردها درس به درس تهیه می‌شوند.

در تدارک استانداردها کف یا حد پایین عملکرد یادگیرنده مورد توجه قرار می‌گیرد و امکانات اجرای برنامه درسی هم مطابق با حداقل‌ها تنظیم و تأمین می‌شود. در کشورهای که چنین رخدادی متداول است، استدلال می‌کنند کسی که فراتر از استانداردهای برنامه درسی خدمتی را مطالبه کند، باید رأساً به تأمین آن دست یازد. به هر روی، در بیشتر موارد در برنامه درسی برخی مجوزهای قانونی تعیین می‌شوند که به معلمان اجازه می‌دهند، تعدیل‌هایی را بنا به ضرورت در برنامه درسی پدید آورند تا برنامه برای یادگیرندگان متناسب‌تر شود. بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه دارای نظام برنامه درسی متمرکز هستند. متمرکز بودن برنامه درسی به این معناست که برنامه درسی ملی از جانب دولت تهیه و در اختیار مدارس قرار می‌گیرد.

دلیل عمده طرفداران وجود برنامه درسی ملی آن است که برنامه درسی ملی سبب می‌شود در سطح کشور نظام یکسانی حاکم باشد و به دانش‌آموزان کمک شود به حدود پیشرفت مورد انتظار در سطح کشور برسند. دلیل دیگر در این خصوص دلیل اقتصادی است. کسانی که این مورد را مطرح می‌کنند بر این باورند که وجود برنامه درسی ملی سبب می‌شود هزینه و سرمایه‌گذاری دولت منطقی‌تر شود. به سخنی دیگر، در این صورت است که دولت به هزینه و عواید ناشی از سرمایه‌گذاری خود آگاهی می‌یابد. افزون بر این، عده‌ای دیگر از طرفداران وجود برنامه درسی ملی، لزوم برنامه درسی ملی را در پیش

گرفتن ارزش‌های مورد توافق، میراث فرهنگی و زبان مشترک می‌دانند؛ یعنی همان چیزهایی که به زعم طرفدارانش عاملی برای پرورش هویت ملی است [Eryamanand Genc, in kridel: ۶۰۰-۶۰۱].

طراحی و تدوین «سند برنامه درسی ملی» نوعی سیاست‌گذاری عمومی و کلی در حوزه برنامه‌ریزی درسی است. از نظر لامبی^۳ (۲۰۰۱) تدوین چارچوب برنامه درسی ملی نوعی هدایت ملی است در مورد آنچه که باید آموخته شود، چگونگی آموختن، روش‌های ارزشیابی و پیامدهای مورد انتظار. داو کینز^۴ (۱۹۸۸) سند برنامه درسی ملی را چارچوب عمومی و مشترک برنامه درسی جامعه تعریف می‌کند که در آن، ملاک‌هایی برای تعیین محتوا در حوزه‌های متفاوت موضوعی، ملاک‌هایی برای ارزشیابی میزان تحقق اهداف برنامه درسی و چارچوبی برای طراحی برنامه‌های درسی و اقدامات آموزشی به بهترین وجه فراهم می‌آید.

بچر^۵ (۱۹۸۹) برنامه درسی ملی را برنامه‌ای می‌داند که صرفاً جنبه تجویزی دارد و کاربست آن دارای الزام قانونی است. برخی محققان مانند پردی^۶ (۱۹۹۴) گرایش به طراحی «برنامه درسی ملی» را اساساً به عنوان نوعی تمایل به «تمرکزگرایی»^۷ تعریف می‌کنند که به استانداردسازی^۸ برنامه‌های درسی در جامعه می‌انجامد. عموماً در کشورهای دارای سیستم فدرال اقدام قابل توجهی نسبت به آزادی عمل ایالت‌ها و مناطق محلی و حتی مدارس برای تعیین و سازماندهی برنامه‌های درسی وجود دارد. با این همه، ایالت‌ها و مناطق آموزشی تعیین‌کننده اقدامات آموزشی و برنامه درسی خود هستند و جنبه‌های عمومی و ملی در برنامه‌ریزی‌های درسی مورد توجه قرار می‌گیرند [Hansen, ۱۹۹۴].

در کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، ولز، نیجریه و خیلی کشورهای دیگر، مناطق آموزشی بر اساس رهنمودهای سند برنامه درسی ملی به برنامه‌ریزی درسی می‌پردازند و در عین حال، یک کمیته نظارتی به‌طور جدی بر فعالیت‌ها نظارت می‌کند تا برنامه‌ریزی درسی در سطوح ایالت‌ها در مسیر چارچوب‌های ملی قرار گیرد. [Hans, ۱۹۹۸]. در ولز سند برنامه درسی ملی مبنای فعالیت‌های جاری آموزشی است و به مدارس در تعیین بودجه، مدیریت مدرسه، استفاده از

در سند برنامه درسی ملی ایران، تربیت بدنی به مثابه یک حوزه یادگیری میان رشته‌ای دیده شده است. یعنی در این سند، تربیت بدنی حوزه یادگیری مستقلی به شمار نمی‌آید، بلکه حوزه یادگیری سلامت هم بدان افزوده شده است

[همان، ص ۳۱] تحقق یابد.

در برنامه درسی ملی تلاش شده، از چارچوبی که در جدول ۱ آمده است، برای هدف‌گذاری بهره‌گیری شود. این چارچوب از دو بعد عناصر و عرصه‌ها تشکیل می‌شود. عناصر چارچوب (تفکر و تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق) ناظر بر شاکله وجودی انسان و سطوح مورد توجه (ارتباط متربی با خود، خدا، خلق و خلقت) در آن ناظر بر گونه‌های ارتباطی هر انسان است که شاکله وجودی او را تحت تأثیر قرار می‌دهند و صورت‌بندی می‌کنند. (جدول ۱).

معنا و مفهوم جدول ۱ آن است که هر هدفی در هر حوزه یادگیری، خواه تربیت بدنی یا علوم تجربی، باید در چارچوب هم‌گرایی عناصر و عرصه‌ها شکل بگیرد یا تدوین شود. بر اساس نوع اهداف و سطوح آن‌ها در هر یک از دوره‌های تحصیلی، زمان آموزش، محتوای درس‌ها، روش تدریس و روش ارزشیابی درس‌ها مشخص می‌شود. این موارد در سند برنامه درسی ملی ایران به تفصیل ارائه شده‌اند.

جایگاه تربیت بدنی در برنامه درسی ملی ایران کدام است؟

در سند برنامه درسی ملی ایران، تربیت بدنی به مثابه یک حوزه یادگیری میان رشته‌ای دیده شده است. یعنی در این سند، تربیت بدنی حوزه یادگیری مستقلی به شمار نمی‌آید، بلکه حوزه یادگیری سلامت هم بدان افزوده شده است. این که تربیت بدنی باید به مثابه حوزه یادگیری مستقلی مطرح یا

خدمات تخصصی و حرفه‌ای و به کارگیری نیروی انسانی مسئولیت داده می‌شود. شورای تعلیم و تربیت کشور استرالیا هشت حوزه یادگیری را در سند برنامه درسی ملی کشور تحت عنوان درس‌های زبان انگلیسی، ریاضیات، مطالعات اجتماعی و محیطی، زبان‌های غیر انگلیسی، علوم، فناوری، هنر و بهداشت مورد توجه قرار داده است. در این کشور هر ایالتی برنامه درسی خاص خود را تهیه می‌کند و یک سیستم نظارتی جدی فعالیت‌ها را در سطح مناطق و ایالت‌ها کنترل می‌کند تا با رهنمودهای مرکزی و ملی هماهنگ باشند. [Reid, ۲۰۰۵].

منظور از برنامه درسی ملی در ایران چیست؟

برای آشنایی با برنامه درسی ملی هر کشوری کافی است روی چند نکته تمرکز داشت: تعریف برنامه درسی ملی، هدف غایی نظام تعلیم و تربیت و الگوی هدف‌گذاری آن. در ادامه هر سه مورد اشاره شده را شرح می‌دهیم.

تعریف برنامه درسی ملی

در ایران، برنامه درسی ملی سندی دانسته شده است که نقشه کلان برنامه درسی و چارچوب نظام برنامه‌ریزی درسی کشور را به منظور تحقق اهداف آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین و تبیین می‌کند [سازمان پژوهش‌ها، ۱۳۹۰: ۱۱]. در واقع در چارچوب این سند انتظار می‌رود که هدف غایی نظام تعلیم و تربیت که «دستیابی متربی به مراتبی از قرب الی الله، خلافت الهی، عبودیت خدا و حیات طیبه»

جدول شماره ۱. الگوی هدف‌گذاری در سند برنامه درسی ملی ایران

عناصر	عرصه‌ها	رابطه با خویشتن (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خدا	رابطه با خلق خدا (سایر انسان‌ها) (با محوریت رابطه با خدا)	رابطه با خلقت (طبیعت و...) (با محوریت رابطه با خدا)
	تفکر و تعقل				
	ایمان و باور مبتنی بر تفکر				
	علم، معرفت و آگاهی				
	عمل				
	اخلاق (رفتارهای اخلاقی + ملکات نفسانی)				

به صورت میان رشته‌ای نگریسته شود، هسته اصلی بحث‌های دراز دامنی است که کارشناسان و علاقمندان و همچنین سیاست‌گذاران آموزشی به آن پرداخته‌اند و این مجادلات نظری و عملی ادامه دارد. با این همه، این مقاله قصد پرداختن به بحث و مجادلات موجود را ندارد و از آن می‌گذرد. در سند برنامه درسی ملی، حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی به صورت زیر آورده و تبیین شده است.

حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی

حوزه سلامت و تربیت بدنی به دنبال برقراری سلامتی کامل جسمی، روانی و ایجاد زمینه‌هایی در جهت شناساندن روش‌های درست فعالیت جسمانی، ارتقای توانایی‌های بدنی، تبیین روش‌های تفریحی سالم و ترویج بهداشت و اصول سالم زیستن و پیشگیری از ایجاد بیماری و اختلال و معلولیت‌های اندامی و توانمندسازی افراد در تسلط بر رفتار خود و حفظ سلامت است.

ضرورت و کارکرد حوزه: در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها و آسیب‌ها و برقراری سلامت تکلیف دینی و الهی می‌باشد و در کلام معصومین علیهم‌السلام نیز بر این حقیقت تأکید شده است. سلامت و تربیت بدنی عاملی اساسی و مؤثر در توسعه فردی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی است و ابزاری ضروری برای رشد و پرورش انسان‌هایی سالم و توانمند جهت دستیابی به ابعاد از حیات طیبه است.

کسب صلاحیت‌های اساسی این حوزه، متریبان را قادر می‌سازد ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی خود را بشناسند، به آن اعتماد کنند و در جهت پرورش آن کوشا باشند. این آموزه‌ها به متریبان کمک می‌کنند که در قبال بهداشت و سلامتی خود مسئولیت بپذیرند و به نقش خود در تضمین سلامتی جسمی و روانی و سلامت و نشاط فردی و اجتماعی، به خصوص سلامت خانواده اعتقاد داشته باشند.

متریبان در خلال فعالیت‌های بدنی یاد می‌گیرند چگونه در قالب گروه کار کنند، اعتماد به نفس خود را افزایش دهند، برای اوقات فراغت خود برنامه‌ریزی کنند، خطر کنند، در مسائل درگیر شوند و به کمک دیگران مسائل را حل کنند. سلامت و بهداشت موجب رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی، و معنوی و پیشگیری از ایجاد بیماری و ضایعات و معلولیت‌های جسمی، حسی، حرکتی، و موجب توانمندسازی فرد در تسلط بر رفتار و حفظ سلامت خود و

پیشگیری از کردارهای پرخطر و بهبود

زندگی متریبان می‌شود.

قلمرو حوزه: بهداشت و سلامت، و تربیت بدنی و تفریحات سالم به عنوان موضوعات همبسته یک حوزه شناخته شده‌اند و اهداف مشترک بسیاری دارند. توجه به سطح کیفی زندگی و رشد و تکامل فرد، اصول صحیح تغذیه، رعایت آداب بهداشتی و کسب مهارت‌های ایمنی از مهم‌ترین اهداف این حوزه می‌باشند. قلمرو این حوزه یادگیری، دو زیر حوزه اصلی سلامت و بهداشت و تربیت بدنی و تفریحات سالم شامل موارد زیر است:

- مهارت‌های حرکتی و آمادگی جسمانی،
- بازی‌ها و رشته‌های ورزشی،
- تفریحات سالم،
- اصول تغذیه سالم و متوازن،
- ایمنی و پیشگیری از آسیب‌های فردی و جمعی در ابعاد و شرایط مختلف،
- مهارت‌های زیستی و بهداشت فردی و عمومی،
- نظام مراقبت از سلامت جسمانی و روانی با تأکید بر سلامت فرد، خانواده و اجتماع،
- بهداشت بلوغ و سلامت نوجوانی.

جهت‌گیری‌های کلی در سازماندهی محتوا و آموزش

حوزه:

این حوزه شامل دو قلمرو محتوایی سلامت و بهداشت و تربیت بدنی و تفریحات سالم است که در سازماندهی محتوای آن در کلیه سطوح تحصیلی باید ابعاد جسمانی، عقلانی،

برنامه درسی
ملی، نما و
جلوه ملموس
آرزوها و آمال
تربیتی در
سطح ملی
است

ضرورت و کارکرد حوزه: در آموزه‌های اسلامی، بدن انسان هدیه و امانتی الهی برای تکامل روح محسوب می‌شود. حفظ بدن از خطرها و آسیب‌ها و برقراری سلامت تکلیف دینی و الهی می‌باشد و در کلام معصومین (علیهم‌السلام) نیز بر این حقیقت تأکید شده است

زمان اجرای برنامه درسی سلامت و تربیت بدنی

هر برنامه درسی زمانی به گونه‌ای مطلوب به اجرا در می‌آید که ملزومات اجرای آن در نظر گرفته شود. از جمله این ملزومات «زمان اجرای برنامه درسی» است. در جدول‌های ۲ تا ۴ زمان تخصیصی برای اجرای برنامه درسی حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی در سه دوره تحصیلی مشاهده می‌شود. با توجه به مواردی که ارائه شد، امکان دارد این سؤال پیش آید که: «آیا آنچه در سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران درباره حوزه یادگیری تربیت بدنی یا سلامت و تربیت بدنی آمده است، شایسته این حوزه یادگیری هست یا

اجتماعی، روانی و معنوی به صورت تلفیقی مورد توجه قرار گیرد. در دوره دوم متوسطه، سازماندهی محتوا در شاخه فنی و حرفه‌ای موضوع محور خواهد بود.

برای آموزش سلامت و تربیت بدنی، با توجه به شرایط سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، روش‌های متفاوت و متناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: بازی، نمایش و تمرین عملی، بازدیدها و اردوها، مسابقات و همایش‌ها، استفاده از فعالیت‌های هنری، کار در گروه‌های کوچک و موقعیت‌های واقعی که می‌توانند فضاهای شبیه‌سازی شده نرم‌افزاری تا موقعیت‌های واقعی را شامل شوند. [همان، ص ۸۲-۸۰].

جدول ۲. میانگین سالانه زمان رسمی اجرای برنامه درسی (حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی پایه‌های اول تا سوم ابتدایی)

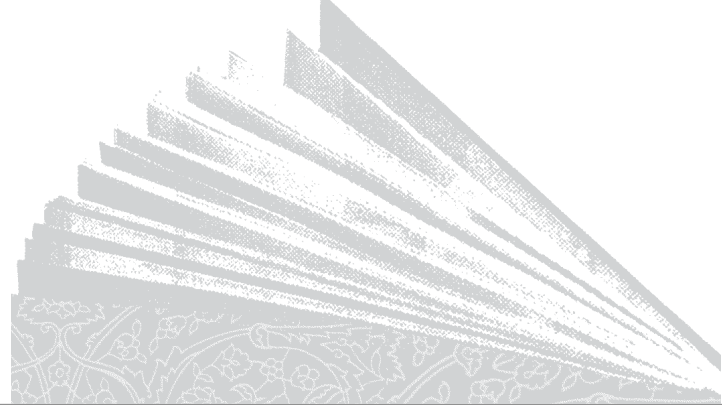
زمان حداقلی در وضع جدید (ساعت ۶۰ دقیقه‌ای)				جمع زمان ساعت درصد	زمان در وضع موجود (ساعت ۶۰ دقیقه‌ای)	زمان حوزه یادگیری
٪ زمان کل در اختیار استان / منطقه / مدرسه	زمان غیرکلاسی	زمان کلاسی	درصد			
					۶۶	۱۵

جدول ۳. میانگین سالانه زمان رسمی اجرای برنامه درسی (حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی پایه‌های چهارم تا ششم ابتدایی)

زمان حداقلی در وضع جدید (ساعت ۶۰ دقیقه‌ای)				جمع زمان ساعت درصد	زمان در وضع موجود (ساعت ۶۰ دقیقه‌ای)	زمان حوزه یادگیری
٪ زمان کل در اختیار استان / منطقه / مدرسه	زمان غیرکلاسی	زمان کلاسی	درصد			
					۷۲	۲۰

جدول ۴. میانگین سالانه زمان رسمی اجرای برنامه درسی (حوزه یادگیری سلامت و تربیت بدنی در پایه اول متوسطه)

زمان حداقلی در وضع جدید (ساعت ۶۰ دقیقه‌ای)				جمع زمان ساعت درصد	زمان در وضع موجود (ساعت ۶۰ دقیقه‌ای)	زمان حوزه یادگیری
٪ زمان کل در اختیار استان / منطقه / مدرسه	زمان غیرکلاسی	زمان کلاسی	درصد			
					۷۴	۱۵



بی‌نوشت

1. Center for Educational Research and Innovation
2. Rudolf
3. Lumby
4. Dawkins
5. Becher
6. Brady
7. Centralization
8. Standardization

نه؟» تصویری که دربارهٔ حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت بدنی در سند برنامهٔ درسی ملی ارائه می‌شود، تصویر و معرفی واقع‌گرایانه‌ای از آن است یا خیر؟ پاسخ دادن به این سؤال و سؤالات مشابه این سؤالات مستلزم واکاوی دو حوزهٔ یادگیری تربیت بدنی و سلامت است. شاید هم با نگاهی تطبیقی بتوان با مبنا قرار دادن کشورهای با تجربه و پیشرفته در حوزهٔ برنامهٔ درسی تربیت بدنی و سلامت به پاسخ دقیقی دست یافت.

چند نکتهٔ نقدگونه بر جایگاه تعریف شده برای حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت بدنی

در نگاهی گذرا، نقدهای زیر را می‌توان به حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت بدنی معرفی شده در سند برنامهٔ درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بیان داشت:

۱. کاستی توجه به حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت‌بدنی از منظر یک رشتهٔ علمی؛

۲. عدم تبیین حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت‌بدنی بر پایهٔ فرهنگ ایرانی و اسلامی به‌طور شایسته؛

۳. عدم توجه به حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت‌بدنی از منظر هویت‌گرایانه؛

۴. محدود کردن حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت‌بدنی به سطوح فرودست یا اهداف نازل حوزهٔ یادگیری مورد بحث؛

۵. عدم توجه به استعدادیابی ورزشی و ورزش‌های آماتور در حوزهٔ تربیت‌بدنی؛

۶. عدم توجه به نقش‌آفرینی فرهیختگی بدنی در ایجاد افتخارات ملی و بین‌المللی.

در پایان این سؤال برای خوانندگان در نظر گرفته می‌شود: «با توجه به جایگاه یا تعریفی که از حوزهٔ یادگیری سلامت و تربیت بدنی در سند برنامهٔ درسی ملی ایران آمده است، آیا این حوزهٔ یادگیری قابلیت آن را خواهد یافت که بر اساس آن بتوان گفت: ما کیستیم؟» این سؤال بر مبنای سخن رودلف است که گفته بود:

برنامهٔ درسی جایی است که در آن می‌گوییم کیستیم

منابع

۱. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی (۱۳۹۰). برنامهٔ درسی ملی جمهوری اسلامی ایران.

2. Aghazadeh, M. (2006).

Turkmenistan national education act, Ashgabat: UNICEF and Turkmenistan Ministry of Education.

3. Becher, T.(1989) The national curriculum and the implementation gap in

4. Brady, M. Decolonisation and Education: New Paradigms for the Remnants of Empire. „ Compare 24 (1994): 37-51.

5. CERl(2007). Understanding the brain: The birth of a learning science, OECD.

6. Dawkins. J. (1988) Strengthening Australia, s Schools: A Consideration of the Focus and Content of Schooling, Canberra: Australian Government Publishing Service.

7. Eryamam, M. and Genc, S. Z., National curriculum, In C. Kridel (2010). Encyclopedia of curriculum studies, California: SAGE Publications.

8. Lumby, C. (2001). Gotcha: Life in a Tabloid World. St. Leonards NSW, Allen and Unwin.

9. Reide, A. (2005). Towards an Australian Curriculum (on – live Version), Australian Government.

10. Rudolph, F. (1977) Curriculum: A History of the American Undergraduate Course of Study since 1936, Jossey Bass:San Francisco.

